

گفت‌وگو با فائزه غفار حدادی، نویسنده و سخنران دیدار زنان با مقام معظم رهبری

خانه مرکز دنیا می‌شود اگر زن بخواهد



«حل مشکل آلودگی هوا را به مادران بسیار یاد»، این جمله‌ای بود که در دیدار رهبری با اقبال مختلف زنان از سوی یکی از سخنرانان مطرح شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت و به عنوان یکی از تیرهای این دیدار در رسانه‌های مختلف بالا آمد. گوینده این جمله در محضر رهبری فائزه غفار حدادی است؛ بانوی نویسنده‌ای که با وجود تحصیل در حوزه علوم پایه از دنیای کلمات و واژه‌ها سر در آورده و در عمل خودش را یک زن خانه‌دار می‌داند و در جای خاصی شاغل نیست، به همین خاطر حتی در دیدار با رهبری وقتی به عنوان یکی از سخنرانان انتخاب می‌شود، تصمیم می‌گیرد نماینده گروهی باشد که کمتر دیده و شنیده می‌شوند. با این بانوی نویسنده و مادر خانه‌دار هم کلام می‌شویم؛ تا از دغدغه‌هایش برای زنان خانه‌دار و نقش مهم آنان به عنوان هوای خانه بیشتر بشنویم.



خانم غفار حدادی صحبت‌های شما بعد از دیدار با رهبری و بیان دغدغه‌های مادران و زنان خانه‌دار بسیار مورد توجه قرار گرفت. درباره خودتان بگویید، کتاب‌هایی که دارید، فرزندان‌تان و اینکه مادر شهید

و از همه مهم‌تر یک بانوی خانه‌دار.

من به نمایندگی از مادرانی حرف زدم که تحصیلات بالا یا توانمندی‌های ویژه دارند و اگر شغل تمام وقت یا کارهای بیرون از منزل را انتخاب می‌کردند، گزینه‌های زیادی داشتند اما به خاطر تربیت فرزند، خانه‌داری را انتخاب کردند. آقا در سخنرانی سسال گذشته گفتند زن مثل هوای خانه است. تربیت فرزند یکی از اصلی‌ترین وظایف خانم‌هاست و دوست داشتم در مانند جان‌شان باید برای‌شان مهم باشد، یعنی همان قدر که اگر بچه‌ای مریض باشد، شما به طور مثال سر کار نمی‌روید، اگر تربیت فرزندتان هم به خطر بیفتد، باید همان قدر برای‌تان اولویت باشد. من خودم از همان مادران هستم که در پژوهشگاه‌های مختلف پیشنهاد کار داشتم. من در علوم پایه درس خوانده بودم و شاگرد اول داشگاه بودم اما به خاطر اینکه تربیت فرزند برآیم اولویت بود، دوست داشتم در خانه باشم تا نظارت بیشتری روی بچه‌ها و تربیت‌شان داشته باشم، اما همین در خانه بودن برای من برکت داشت و توانستم علاقه و استعداد نویسنده‌ی را در خودم کشف کنم. فکر می‌کنم اگر سراغ کار پژوهشی می‌رفتم به این اندازه موفق نبودم که در حال حاضر به عنوان یک نویسنده موفقم و از کار لذت می‌برم. در واقع من در کاری مشغولم که هم خودم لذت می‌برم و هم به لطف خدا خروجی‌های خوبی داشته است؛ هم اینکه در کنار فرزندانم هستم و در خانه کارم انجام می‌دهم.

یعنی مادر بودن و بودن در خانه باعث شد شما استعدادتان را در نویسندگی کشف کنید؟

وقتی تصمیم گرفتم به پژوهشگاه نروم، این موضوع باعث شد بگردم ببینم چه کار می‌توانم بکنم تا مؤثر باشم. در نتیجه این جست‌وجو به ادبیات و نویسندگی رسید، چون رشته من علوم پایه بود و ربطی به ادبیات نداشت، طبق یک نظام خطی پیش‌بینی شده من باید به پژوهشگاه می‌رفتم و نهایت شدی که می‌توانستم بکنم در زمینه علم و پژوهش بود.

یعنی مادری کردن شما در کنار تربیت فرزند دستاوردهای ارتقای شخصی هم داشت؟

بله، این کناره گرفتن از روال پیش‌بینی شده باعث

شکوفاشدن استعدادهای خود من و همچنین بازنگری دوباره در خودم و استعدادهایم شد و با توجه به شرایط خاص خودم چیز جدیدی را در خودم کشف کردم. حتما شما هم با این مواجه شده‌اید که در جامعه امروز خانه‌داری را تقبیح می‌کنند و فعال بودن زن را به منزله حضور اجتماعی و اشتغال وی می‌دانند. شما نمونه‌ای از افرادی هستید که فعالیت اجتماعی خود را به گونه دیگری تعریف کرده‌اند و به خانه‌داری خودتان افتخار می‌کنید و توانسته‌اید هم موفق باشید و هم رشد فردی و اجتماعی داشته باشید. از نگاه شما به عنوان یک بانوی فعال اجتماعی و خانه‌دار برای تغییر دادن این فرهنگ غالب باید چه کار کنیم؟

شما کتابی تحت عنوان «روزنوشت‌های یک زن خانه‌دار در دوران کرونا» داشتید، درباره این کتاب و نقش خانم‌های خانه‌دار در دوران کرونا برای‌مان بگویید.

بله، در دوران کرونا همه جا تعطیل شد و گفتند همه به خانه‌های‌شان بروند! این به این معنا بود که همه بار ماجرای دوش مدیران خانواده که همان مادران هستند، افتاد، حتی خانم‌های شاغل هم به عنوان مدیر خانه مسئول رتق و فتق و مدیریت همه چیز شدند، ولی هیچ‌گاه از آنها تجلیل نشد! در بساره کادر درمان صحبت شد، از غسال‌های جهادی صحبت شد، از طرح مواسات صحبت شد، اما هیچ‌کس نگفت این خانم‌های خانه‌دار هم در این دوران واقعاً زحمت کشیدند تا ماجرا را مدیریت کنند، در حالی که نقش مؤثری داشتند؛ مریض‌داری کردند، تلاش کردند جو خانه را

خانم غفار حدادی شما در دیدار اقبال مختلف زنان با رهبری به نمایندگی از کدام گروه از زنان صحبت کردید؟

من از طرف حوزه هنری بیشتر به عنوان یک نویسنده انتخاب شده بودم، اما دغدغه‌هایم مادرانه بود و احساس می‌کردم نویسندگی در حوزه زنان لاقال از حوزه‌های دیگر جلوتر است و مشکلات زنان نویسنده در حدی نیست که بخواهد مطرح شود. آقا در دیداری نیست که از خانم‌های نویسنده تعریف نکنند و نگویند این خانم‌ها چقدر خوب می‌نویسند و از ظرفیت‌های زنان نویسنده تجلیل نکنند. ایشان چه در دیدارهای خصوصی، چه در دیدارهای عمومی، همیشه گفته‌اند که خانم‌ها به دلیل جزئی‌نگری‌بودن و به دلیل بیان بهتر احساسات، در کتاب‌های خاطرنویسی خیلی بهتر از آقایان عمل می‌کنند، بنابراین وقتی من گفتم در زمینه نویسندگی وضع خانم‌ها خوب است، به این دلیل است. در حوزه نویسندگی هیچ مسئله جنسیتی وجود ندارد که مثلاً بگویید فلان کتاب را چون یک خانم نوشته، اقبال کمتری به آن وجود دارد. در جایگاه نویسندگی چه یک خانم و چه یک آقا، وقتی کتاب خوبی بنویسد، دیده می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد و کتابش منتشر می‌شود. حداقل من تبعیض جنسیتی نمی‌بینم و اینجا هیچ نابرابری‌ای وجود ندارد. در واقع شاید آقایان باید

آقا در سخنرانی سسال گذشته گفتند زن مثل هوای خانه است. تربیت فرزند یکی از اصلی‌ترین وظایف خانم‌هاست. تربیت فرزند مانند جان‌شان باید برای‌شان مهم باشد، یعنی همان قدر که اگر بچه‌ای مریض باشد، شما به طور مثال سر کار نمی‌روید، اگر تربیت فرزندتان هم به خطر بیفتد، باید همان قدر برای‌تان اولویت داشته باشد

آرام نگه دارند و فضای روانی خانواده را مدیریت کنند و بسیاری از کارهای دیگر. من سعی کردم در کتاب تمام این زحمات را برای آیندگان بیان کنم. همانطور که گفتیم همه مسائل از ذهنیت می‌آید، اگر ذهنیت ارزشمند باشد، باید زحمات خانم‌ها در چنین مرحله‌ای هم برجسته شود.

من کتاب «دهکده خاک بر سر» شما را نگاه می‌کردم و اینکه ظاهراً شما سفری به لوزان داشتید. شروع صحبت‌های شما در دیدار با حضرت آقا از همین سفر بود. درباره این سفر و تجربیات آن هم برای‌مان بگویید.

نگاه من نسبت به زن در آن سفر سوئیس تغییر کرد و این دیدگاه برای خود من ایجاد شد که چقدر سایر ادیان نسبت به نگاه اسلام به زن ناآگاه هستند و وقتی از دیدگاه اسلام درباره زن آگاه می‌شوید، چقدر برای‌شان



همه چیز به ذهنیت و رویکرد ذهنی ما برمی‌گردد. وقتی ما می‌گوییم خانه‌دار چه کسی پادمان می‌افتد؟ وقتی در سریال‌ها، فیلم‌ها و رسانه نگاه‌شان نسبت به زنان خانه‌دار نگاه یک فرد عوام و زنی است که خیلی نمی‌فهمد و تصمیم‌های خوبی نمی‌گیرد و در مقابل زنی که فعالیت اجتماعی دارد و شاغل است، بیشتر می‌فهمد و تصمیم‌های بهتری می‌گیرد، اینجاست که این تلقی شکل می‌گیرد و زن خانه‌دار تقبیح می‌شود. اگر ما بتوانیم الگوهای مناسب برای افراد ایجاد کنیم و زن خانه‌دار فهیم مؤثری را که خانه را با مدیریت خودش به مرکز دنیا تبدیل کرده است نشان دهیم، این ذهنیت اصلاح می‌شود. جامعه از خانواده تشکیل می‌شود و اگر هر زن خانه‌داری بتواند نقش خودش را در خانه به عنوان هوای خانه خوب انجام دهد، آن خانه مهم‌ترین جای دنیا می‌شود. اگر زنان خانه‌دار بتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند با مدیریت خودشان به الگو تبدیل می‌شوند و همه می‌بینند که یک زن خانه‌دار انسان می‌سازد و فضای خانه را برای رشد انسان‌هایی که می‌توانند هر کدام‌شان در جامعه بسیار مؤثر باشند، فراهم می‌کند و این کار بسیار ارزشمند است. این ارزش باید در ذهن‌ها نهادینه شود و موضوعی تفکری است. این ذهنیت باید برای افراد ایجاد شود که این کار سخت تمام‌وقت و نیازمند درایت و مدیریت بالا، چقدر ارزشمند است و خروجی بسیار مهمی دارد که همان انسان‌هایی هستند که در جامعه حضور می‌یابند و فعالیت می‌کنند. اینها همان افرادی هستند که تحت تربیت مادران در خانه و خانواده شخصیت‌شان شکل می‌گیرد.

جذاب و جدید است. خود من هم با زبانی مواجه شدم که برخلاف تصور ما در رابطه با وضعیت مساعد زنان غربی، دیدم که این زنان با چه مشکلات عدیده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کردند. در واقع ویتروینی در ذهن ما از شرایط زنان غربی ساخته شده و اینطور نیست که مردان آنها نسبت به زنان ذهنیت برتری خوبی رانداشته باشند. این خانم‌ها هم مشکلات زیادی داشتند، هر چند ویتروین‌شان پرزرق و برق‌تر است. وقتی با این خانم‌ها درباره قوانین و چیزهای مختلف صحبت می‌شد، دوست داشتند از اسلام بیشتر بشنوند. برای‌شان جدید بود. این کتاب شرح سفر تحصیلی من، همسر و فرزندم به سوئیس بود و یکی از فرزندانم هم در این کشور به دنیا آمد. سعی کردم هر آنچه دیدم و شنیده‌شده صورت‌ی بطرفانه بیان کنم.

خانم غفار حدادی شما در دیدار اقبال مختلف زنان با رهبری به نمایندگی از کدام گروه از زنان صحبت کردید؟

من از طرف حوزه هنری بیشتر به عنوان یک نویسنده انتخاب شده بودم، اما دغدغه‌هایم مادرانه بود و احساس می‌کردم نویسندگی در حوزه زنان لاقال از حوزه‌های دیگر جلوتر است و مشکلات زنان نویسنده در حدی نیست که بخواهد مطرح شود. آقا در دیداری نیست که از خانم‌های نویسنده تعریف نکنند و نگویند این خانم‌ها چقدر خوب می‌نویسند و از ظرفیت‌های زنان نویسنده تجلیل نکنند. ایشان چه در دیدارهای خصوصی، چه در دیدارهای عمومی، همیشه گفته‌اند که خانم‌ها به دلیل جزئی‌نگری‌بودن و به دلیل بیان بهتر احساسات، در کتاب‌های خاطرنویسی خیلی بهتر از آقایان عمل می‌کنند، بنابراین وقتی من گفتم در زمینه نویسندگی وضع خانم‌ها خوب است، به این دلیل است. در حوزه نویسندگی هیچ مسئله جنسیتی وجود ندارد که مثلاً بگویید فلان کتاب را چون یک خانم نوشته، اقبال کمتری به آن وجود دارد. در جایگاه نویسندگی چه یک خانم و چه یک آقا، وقتی کتاب خوبی بنویسد، دیده می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد و کتابش منتشر می‌شود. حداقل من تبعیض جنسیتی نمی‌بینم و اینجا هیچ نابرابری‌ای وجود ندارد. در واقع شاید آقایان باید

آیا نکته انتخاب شدید، آیا به شما گفته شد در چه موضوعی صحبت کنید و نماینده کدام اقشار از زنان باشید یا خودتان تصمیم گرفتید چه بگویید؟

به ما گفتند خودتان متنی تنظیم کنید. متن‌ها در جلسه‌ای خوانده و نظرات گفته می‌شود. در آن جلسه سه‌چهار برابر تعداد افرادی که بنا بود در آن روز برای سخنرانی انتخاب شوند، خانم‌های مختلف از حوزه‌های مختلف حضور داشتند. هر کسی متشش را می‌خواند مورد داوری بقیه قرار می‌گرفت و خانم‌هایی که حضور داشتند نظرات‌شان را در رابطه با متن خوانده‌شده می‌دادند.

چه نظراتی؟

مثلاً اینکه آیا دغدغه شما در حدی است که در محضر رهبری مطرح شود یا در حد مدیر یک اداره است یا اگر مشابهت‌هایی بین متن‌ها هست، می‌توان موارد مشابه را حذف کرد و در یک متن گفته شود. داوری از این جهت بود؛ اینکه متن‌ها باید کوتاه بودند و از نظر کوتاهی و اهمیت و اینکه دغدغه گروه بیشتری از مردم باشند. متن‌ها باید با توجه به ویژگی‌های جلسه کارایی می‌داشتند. مثلاً در خور این مراسم و در خور جایگاه صحبت در محضر رهبری نیست که کسی بخواهد در خواست شخصی از حضرت آقا داشته باشد.

البته متن شما متن زیبایی بود که نشان می‌داد از قدرت نویسندگی برخوردارید. به شکل داستان نکاتی را که می‌خواستید، مطرح کردید و خود این متن شما را جذاب‌تر کرده بود و باز خوردهای خوبی را از جمعیت بین صحبت‌های شما نکاتی را یادداشت کردند، چه حسسی داشتید؟ آیا احساس کردید صحبت‌های‌تان مؤثر بوده است؟

فکر می‌کنم آقا تمام صحبت‌ها نکته‌برداری می‌کردند و وقتی می‌خواستند از سخنرانان تشکر کنند، به این نکات اشاره داشتند و موضوع صحبت فرود را هم می‌گفتند. دوست داشتم در آن لحظه بدانم از متن من، نقطه ثقل برای آقا چه بوده است. آقا در صحبت‌های‌شان درباره متن من گفتند «خانمی که از مشکلات زنان خانه‌دار گفت» و این برایم ارزشمند بود که آقا من را نماینده خانم‌های خانه‌دار معرفی کردند، چراکه هدفم همین بود.

صحبت‌های شما در دیدار با رهبری خیلی در فضای مجازی و رسانه‌ای بازتاب داشت. خود شما چه بازخوردهایی از مردم گرفتید؟

بعد از دیدار چه در مدرسه چه‌جا، چه وقتی من برای خرید در میدان تره‌بار می‌رفتم یا حتی در خود بیت بعد از تمام‌شدن مراسم، همه از من استقبال کردند و گفتند چقدر خوب بود که یک نفر پیدا شد و دغدغه ما را بیان کرد، یعنی قاطبه خانم‌های جامعه از صحبت‌ها راضی بودند و تشکر کردند که یک نفر دغدغه آنها را مطرح کرده است. می‌گفتند فکر نمی‌کردیم صدای‌مان به جایی برسد. این خیلی جذاب است که می‌شود در مقابل مهم‌ترین شخص مملکت از کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین دغدغه‌های مادران صحبت کرد و هیچ معنی وجود نداشته باشد، آدم بداند که شنیده می‌شود و مسخره نمی‌شود و اینها هم خیلی جذاب بود.

ویتترین



روایت زندگی مادر یک شهید

تنها گریه کن

زندگی مادران شهدا را نمی‌توان تنها به خاطرات آنها با فرزندشان خلاصه کرد. شهادت فرزند، یکی از نقاط اوج داستان آنهاست که پیش از آن دانه‌های زیادی برای رسیدن به این محصول کاشته شده. کتاب تنها گریه کن، داستان یکی از همین مادران است. اکرم اسلامی در این کتاب، خاطرات اشرف‌فسادات منتظری، مادر شهید محمد معماریان را به نگارش در آورده است. اما این کتاب تنها خاطرات یک مادر شهید به اشرف‌فسادات منتظری را در قالب یک کتاب در آورده است. مادری که فرزندش در وصیت خود از او خواسته بود در جمع زاری نکند و در خلوت خودش گریه کند. این وصیت میان بسیاری از شهدای جنگ هشت‌ساله ایران و عراق مشترک است. آنها دوست دارند همان‌طور که خودشان با شجاعت به استقبال مرگ رفتند، باز ماندگان‌شان نیز سر خود را بالا بگیرند و به این افتخار کنند. این کتاب، داستان فداکاری‌های یک مادر برای پرورش چنین فرزندی است.

کتاب تنها گریه کن، روایت زندگی اشرف‌فسادات منتظری از کودکی تا دوران کهنسالی اوست. از زمانی که کودکی شاد خود را در خانه پدربزرگ می‌گذراند، تا ازدواج با همسرش و تولد فرزندشان، تا فعالیت‌های او برای پیروزی انقلاب و قدم تهران، تا به جبهه فرستان فرزندش، تا فعالیت شبانه‌روزی در پشتیبانی جبهه و نهایت شهادت محمد، پسرش و روزهای فرامی‌گذرد. اشرف‌فسادات پیش از انقلاب، هر کاری را که از دستش برمی‌آمد برای پیروزی انقلاب انجام می‌داد؛ از بخش اعلامیه گرفته تا شرکت در تظاهرات و پناه دادن به کسانی که از دست ساواک فرار می‌کردند. پس از انقلاب و با شروع جنگ هشت‌ساله ایران و عراق نیز خانه‌اش شد پایگاه فعال بسیج که تمام کارهای مربوط به پشتیبانی در آن انجام می‌شد. اشرف‌فسادات و روابط‌ها صادقانه و واقعی باشند، بنابراین در کتاب تنها گریه کن ماجرای زنی است که هیچ اتفاقی نتوانست فعالیت‌ها و تلاش‌های او را متوقف کند و انگیزه‌اش را بگیرد.

با اکرم اسلامی بیشتر آشنا شویم

اکرم اسلامی، متولد سیال ۱۳۶۴ و اهل تهران است، اما چند سالی می‌شود که در قم زندگی می‌کند. وقتی برای زندگی به قم آمد، به واسطه یکی از دوستانش با انتشارات حماسه یاران و آقای کاجی، مسئول آن آشنا شد. انتشارات حماسه یاران قرار بود مجموعه‌ای از کتاب‌ها را برورانه است. داستان این کتاب با ریمت بالا و پراحتاسان خود، خواننده را ساعت‌ها جذب می‌کند. کتاب تنها گریه کن را نیز انتشارات حماسه یاران به چاپ رسانده است.

وقتی تصمیم گرفتم به پژوهشگاه نروم، این موضوع باعث شد بگردم ببینم چه کار می‌توانم بکنم تا مؤثر باشم. در نتیجه این جست‌وجو به ادبیات و نویسندگی رسید، چون رشته من علوم پایه بود و ربطی به ادبیات نداشت، طبق یک نظام خطی پیش‌بینی شده من باید به پژوهشگاه می‌رفتم و نهایت شدی که می‌توانستم بکنم در زمینه علم و پژوهش بود.

یعنی مادری کردن شما در کنار تربیت فرزند دستاوردهای ارتقای شخصی هم داشت؟

بله، این کناره گرفتن از روال پیش‌بینی شده باعث

آرام نگه دارند و فضای روانی خانواده را مدیریت کنند و بسیاری از کارهای دیگر. من سعی کردم در کتاب تمام این زحمات را برای آیندگان بیان کنم. همانطور که گفتیم همه مسائل از ذهنیت می‌آید، اگر ذهنیت ارزشمند باشد، باید زحمات خانم‌ها در چنین مرحله‌ای هم برجسته شود.

سازمان گمی‌های روزنامه جوان تلفنی گمی‌های می‌پذیرد
تلفن: ۸۸۵۴۵۴۸۸